یادداشت

## یک قاب تجربه

ادامه از صفحه اول

یکی درباره پرونده هسته‌ای و دیگری درباره تنش بین حزب‌الله لبنان و اسرائیل (که در این زمینه در قاب دیگری خواهم نوشت). ایشان با تشریح شرایط و روند پرونده هسته‌ای ایران و اشاره به این مطلب که مقامات دولت جدید ایران با نادیده‌گرفتن توافق سعدآباد (که در دولت هشتم بین وزرای خارجه سه کشور آلمان، فرانسه، انگلیس و ایران صورت گرفته بود) اعلام کرده‌اند از رفتن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت نگران نیستند و آن را فاقد اهمیت دانسته‌اند، اظهار کرد که درخواست دارد تا این پیام بسیار مهم به تهران منتقل شود که تا زمانی که پرونده هسته‌ای ایران در اروپا است، امکان دخالت و تأثیرگذاری اسرائیل در پرونده در حد صفر و نفوذ آمریکا ناچیز است اما اگر پرونده از اروپا خارج شود و به شورای امنیت برود، نقش اروپا کاهش یافته و برعکس نقش و تأثیرگذاری آمریکا صددرصد و اسرائیل بسیار زیاد خواهد بود. او در ادامه اظهار کرد همین‌قدر که پرونده هسته‌ای ایران در اروپاست، خود امری مثبت است و امکان حل‌وفصل آن با مذاکره با طرف‌های اروپایی بیشتر خواهد بود. او همچنین به عواقب خسارت‌بار ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت اشاره کرد و آن را خطری بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران دانست و تأکید کرد که با قید فوریت این پیام به مقامات عالی ایران منتقل شود و آن را حسن نیتی از سوی طرف اروپایی قلمداد می‌کرد. او در ادامه گفت که می‌توانید از تجربه برخی از کشورهایی که پرونده آنها به سازمان ملل و شورای امنیت رفته است، مطلع شوید تا در تصمیم خود تجدیدنظر کنید. این پیام بلافاصله به تهران منتقل شد و هم‌زمان کارشناسان سیاسی سفارت ایران در فرانسه با برخی از سفرای اعضای غیردائم شورای امنیت در فرانسه دیدار کردند و همگی آنها نیز از عواقب خطرناک رفتن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سخن گفتند و درباره آن هشدار دادند اما سرانجام پافشاری مقامات عالی دولت (رئیس‌جمهور وقت) و وزیر امور خارجه و معاون اروپا و آمریکای وزارت خارجه بر مواضع اعلامی موجب شد تا پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شود که در نتیجه ایران عزیز ما و مردم در مسیر صدور قطع‌نامه‌های ویرانگر و تحریم‌های بنیان‌برانداز قرار گرفتند. بدون‌تردید یکی از مهم‌ترین عوامل انتقال پرونده هسته‌ای ایران از اروپا به شورای امنیت همین مواضعی بود که به آن اشاره شد و البته خسارت‌ها و زیان‌های جبران‌ناپذیر آن بر دوش ملت ایران قرار گرفت که تا به امروز همچنان ادامه دارد. اگرچه تلاش دولت یازدهم در خارج‌کردن ایران از ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل به فرجام رسید و تهدید بزرگی از ایران برداشته شد اما به دلیل مواضع مشابه و غیرمسئولانه نهادهای خارج از دولت، برداشتن تحریم‌ها قرین موفقیت نبوده است. ذکر این نکته ضروری است که تلاش نگارنده این یادداشت برای تبرئه کشورهای اروپایی در همراهی با آمریکا در تحریم‌ها نیست، بلکه بازگویی تجربه و بازخوانی وقایع و تصمیماتی است که سرنوشت یک ملت بزرگ را تغییر داده و از پیشرفت بازداشته است. امید است که دولت جدید با مدیریت و کنترل اظهارات مقامات دولتی و غیردولتی در کشور در این زمینه ضمن پیشگیری از وقایع تلخ و ناگوار گذشته، با تدبیر و بهره‌گیری از چنین تجاربی و پیگیری سیاست وفاق در داخل و امتداد آن در خارج، ایران را در مسیر بازگشت شکوهمند و تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های جهانی برای توسعه و پیشرفت کشور و گذر از تحریم‌ها قرار دهد.

در پایان شایسته یادآوری است که رسانه‌ها با روشنگری و آگاهی‌بخشی درباره بررسی و واکاوی تاریخ سیاست خارجی ایران در دو دهه گذشته به علل صدور قطع‌نامه و تحریم‌ها علیه ملت ایران پرداخته و نقش ممتاز خود را ایفا کنند تا افکار عمومی بیشتر در جریان موانع پیشرفت و توسعه کشور از طرف جریان‌های تندرو قرار گیرند. آنچه گفتیم و نوشتیم، صرفا بازگویی یک تجربه بود، امید اینکه مؤثر افتد و مفید واقع شود.

## اولویت‌های پیشنهادی توسعه مکران برای ۴ سال آینده

ادامه از صفحه اول

اعتماد مردم بومی منطقه در سال‌های اخیر رو به افول بوده که با وجود تلاش‌های انجام‌شده نیازمند احیا و بازگشت اعتماد جامعه محلی به برنامه توسعه مکران است. دولت چهاردهم در دوره خدمت خود سازوکارهای مشارکت جامعه محلی را در تدوین برنامه‌ها از یک سو و اجرای برنامه‌های مشارکتی از سوی دیگر فراهم کند. در این دولت ضروری است آنچه با عنوان «انتفاع جامعه محلی» از آن یاد می‌شود، محقق شود. آحاد جامعه محلی براساس رویکرد اصولی توسعه درون‌زا علاوه بر اینکه هدف توسعه بوده، خود هم‌زمان عامل توسعه نیز هستند.

در سال‌های اخیر، توسعه مناطق ساحلی با نوعی آلودگی نهادی و شلختگی ساختاری مواجه شده است، به گونه‌ای که در محدوده چابهار به‌عنوان بخش کوچکی از گستره مکران، چندین نهاد ازجمله شورای‌عالی آمایش سرزمین، استاندار ویژه سیستان‌وبلوچستان، نماینده ویژه رئیس‌جمهور در توسعه مکران و نماینده ویژه رئیس‌جمهور در شورای‌عالی مناطق آزاد داعیه دست بالا بودن در مدیریت منطقه را دارند. این امر سردرگمی و در مواردی سوءاستفاده برای ترک فعل دستگاه‌های اجرائی را در پی داشته است.

پیشنهاد می‌شود دولت چهاردهم ضمن پرهیز از شلختگی ساختاری، احیای جایگاه و تأکید بر دست بالای تنها یکی از چندین نهاد یادشده را در مدیریت برنامه‌های توسعه منطقه و تقویت اختیارات قانونی آن برای اعمال حاکمیت در نقش نظارت راهبردی، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری خود مدنظر قرار دهد و در غیراین‌صورت پیشنهاد اصلاح ماده ۶۸ قانون احکام دائمی کشور را به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.

گذر از این دست‌انداز مستلزم بازتعریف نقش سازمان مدیریتی مدنظر است. به نظر می‌رسد از آنجا که اقدام توسعه‌ای می‌تواند به معنای تلاش برای برداشتن موانع توسعه باشد، می‌توان بیشتر بر نقشی نظیر آژانس‌های توسعه منطقه‌ای تکیه کرد. سازمانی که با تجهیز به برخی از اختیارات مشخص مهم‌ترین مأموریت آن شناسایی شکست‌های سیستمی و رفع موانع توسعه از طریق کارکردهای ظرفیت‌سازی توسعه، تسهیل‌گری و تنظیم‌گری و نظارت راهبردی در هماهنگی و همراهی با دیگر دستگاه‌های سیاسی و اجرائی ملی و منطقه‌ای باشد. سازمانی که می‌تواند ضمن پذیرش در ساختار حکمرانی کشور از اثربخشی در پیشبرد برنامه‌های توسعه منطقه برخوردار باشد.

### در میزگرد اهمیت توسعه صنعتی با هدف رفع فقر در ایران با حضور سه اقتصاددان و کارآفرین بررسی شد

# کلید قفل فقر

**اشتغال یکی از مهم‌ترین فرایندهایی است که از طریق آن رشد اقتصادی می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری درآمد کمک کند، به طوری که نرخ بالای رشد اقتصادی همراه با نرخ اشتغال بالا یک شرط لازم برای کاهش فقر است، اما ممکن است شرط کافی نباشد. بنابراین برای کاهش فقر، باید بهره‌وری و عایداتی مثل دستمزد واقعی به اندازه کافی برای فقرا افزایش یابد. بنابراین رابطه بین رشد اقتصادی، اشتغال و کاهش فقر، فرایندی است که در آن رشد تولید ناشی از افزایش اشتغال و سودآوری، منجر به افزایش درآمد فقرا و کاهش فقر می‌شود. چهارمین میزگرد اقتصادی مجمع کارآفرینان ایران با عنوان «اهمیت توسعه صنعتی با هدف رفع فقر در ایران» با حضور هادی موسوی‌نیک پژوهشگر اقتصادی، داوود سوری اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی، علیرضا نوری، کارآفرین برگزار شد.**

●●●

**در آخرین شاخص‌های اقتصادی وضعیت فقر در کشور چگونه ارزیابی شده است؟**

**موسوی:** متأسفانه وضعیت فقر در کشور بحرانی شده است. براساس محاسبات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مرکز پژوهش‌های مجلس در حال حاضر ۲۵ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر هستند. در واقع برمبنای این آمار ۳۰ درصد خانوارهای کشور زیر خط فقر و پنج درصد آنها دچار فقر شدید یا مطلق هستند. در حقیقت فقر مطلق به شرایطی گفته می‌شود که افراد و خانوارها توان تأمین حداقل دوهزارو ۱۰۰ کیلوکالری را که استاندارد حداقلی بانک جهانی است، ندارند و اکثر این افراد نیز حتی با وجود سازوکارهای تعریف‌شده برای برون‌رفت از فقر تحت رصد هیچ‌گونه سیستم حمایتی نیستند. براساس آمارهای رسمی در سال ۹۶ نرخ فقر در کشور حدود ۲۰ درصد بود اما ظرف دو، سه سال اخیر به علت تشدید تحریم‌ها و خروج آمریکا از برجام، جمعیت فقرای کشور افزایش یافت و به نرخ ۳۰ درصدی رسید. همچنین طی چند سال اخیر شکاف فقر دستخوش تغییرات بسیاری شد و فاصله افراد زیر خط فقر با خط فقر تشدید شده است. به همین خاطر است که می‌گویند اعمال سیاست‌های فقرزدایی اکنون نیازمند تلاش، انرژی، هزینه بیشتر و منابع بیشتر است. همچنین براساس آمارهای رسمی، درآمد طبقه متوسط ایرانی در سال ۹۶ به طور متوسط، ۸۰ درصد بیش از برآورد خط فقر بود اما طی سالیان اخیر به واسطه وضعیت اقتصادی موجود (رشد پایین و تورم‌های بالا) این آمار به ۶۳ درصد نزول کرده است. در واقع فاصله ۱۸ درصد از افراد جامعه با خط فقر کاسته شده است. به زبان ساده؛ وضعیت موجود حاکی از این است که احتمال سقوط جمعیت به زیر خط فقر افزایش، خروج از فقر سخت‌تر و احتمال فقیرترشدن افراد جامعه بیشتر شده است. بالطبع در شرایط موجود وضعیت تغذیه نیز با مشکل مواجه می‌شود و افراد نمی‌توانند کالری‌های مورد نیاز را تأمین کنند؛ در نتیجه این وضعیت تبعات کوتاه‌مدت و بلندمدتی را به دنبال خواهد داشت. طبعا عملکرد آموزشی و نظام بهداشت و درمان کودکانی که در این خانوارها هستند، تحت تأثیر منفی قرار می‌گیرد. براساس گزارش‌های رسمی در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از جمعیت کشور توان تأمین دوهزارو ۶۰۰ کیلو کالری را ندارند که متأسفانه معضلی بسیار جدی است که باید به آن توجه شود. کما اینکه براساس اعلام مرکز آمار، مصرف بسیاری از اقلام خوراکی در کشور با کاهش چشمگیر روبه‌رو شده به طوری که سرانه مصرف گوشت دهک اولی‌ها در ماه حدود ۱۰۰ گرم است! طبیعتا هیچ نظام رفاهی به تنهایی توانایی حل معضل موجود را ندارد و بدون کمک بخش خصوصی و کارآفرینان حل این مسئله امکان‌پذیر نیست.

**رابطه بین توسعه صنعتی و فقر چیست؟ آیا لزوما توسعه صنعتی به فقرزدایی منجر می‌شود یا خیر؟**

**سوری:** در واقع پیش از پاسخ به این پرسش ابتدا باید بدانیم که فقیر کیست و ارتباط این فرد با بخش صنعت چیست؟ اگر به آمارهای گذشته بنگریم، درمی‌یابیم که عمده فقرای ما افرادی هستند که در بخش خصوصی در نقش حقوق‌بگیر فعال هستند. حال بخشی از این افراد خویش‌فرما هستند و بخش دیگر در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور به عنوان مزد و حقوق بگیر فعالیت می‌کنند. غالب این افراد جوانانی هستند که از سطح تحصیلات خوبی برخوردار هستند. در واقع این افراد قابلیت‌های مورد نیاز بازار کار را دارند اما شرایط بازار کار به‌گونه‌ای است که این افراد نمی‌توانند قابلیت‌های خود را به درآمدی تبدیل کنند که دیگر فقیر محسوب نشوند. به عبارتی دیگر شرایط بازار کار شرایط مطلوبی نیست. در واقع این افراد یا افرادی هستند که کار ندارند یا کار دائم ندارند یا اگر هم کار دائم دارند، در بخشی که فعالیت می‌کنند دستمزدهای بسیار پایینی دریافت می‌کنند.حال همه این عوامل به شرایط اقتصادی حاکم بر این بخش‌ها بازمی‌گردد. طبیعتا هرچقدر این بخش‌ها از جمله بخش صنعت رشد و گسترش یابد، منابع بیشتری برای نیروی کار فعال خلق می‌شود تا او را از تله فقر خارج کند. بحث اشتغال و درآمد نکته کلیدی این حلقه است. یعنی زمانی که از توسعه صنعتی سخن به میان می‌آید ما باید توسعه صنعتی داشته باشیم که به اشتغال کمک کند و نیروی انسانی بیشتری را مشغول کند. در حقیقت رشدی که از این بخش حاصل می‌شود، همان رشد رفع فقر است.بنابراین کلید اساسی رفع فقر افزایش اشتغال است اما نکته مغفول در این مبحث این است که افزایش اشتغال به این مفهوم نیست که اگر افراد در یک کارگاه یا بنگاه مشغول به کار شدند، برای همیشه در آنجا باقی بمانند. افزایش اشتغال به این معناست که مدت‌زمانی که فرد بی‌کار است کاهش یابد. در واقع مقوله اشتغال یک مبحث کلیدی است که می‌تواند توسعه صنعتی را از نظر فقرا مهم جلوه بدهد. باید به بخش اشتغال به طور ویژه توجه شود.

**در اقتصاد ایران باید چه اقداماتی انجام داد که به توسعه صنعتی و فقرزدایی منجر شود؟**

**نوری:** طبیعتا فقرزدایی با توسعه متوازن رخ خواهد داد. در واقع توسعه صنعتی به تنهایی راه‌حل مشکل نیست و باید در کنار آن صنایع کشاورزی و خدماتی نیز ارتقا یابد. در واقع بنگاه‌های کشور باید رقابت‌پذیر باشند، چه با همتایان خارجی و چه با همتایان داخلی خود. متأسفانه این روزها از مبحث سرمایه در گردش به علت وجود تحریم‌ها و خلأ فاینانس در معاملات کاملا بی‌بهره هستیم. این روزها با وجود اینکه کشور دارای نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده است اما جوانان در حوزه‌های تخصصی خود مشغول به کار نیستند و به‌ناچار به شغل‌های موقت مشغول هستند. از طرفی زیرساخت‌های کشور که نیاز هر صنعتی است، امروز وضعیت مناسبی ندارد. صنایع ما مدت‌هاست با مشکلات ناترازی انرژی و قطعی گاز و برق مواجه هستند. متأسفانه باوجود شرایط موجود حتی نتوانستیم مانند کشورهای ترکیه و چین از نیروی انرژی خورشیدی بهره‌وری کنیم. یکی دیگر از عوامل آزاردهنده در بخش صنعت وضعیت اینترنت کشور است. در واقع همه این موارد سبب بازدارندگی حضور سرمایه‌گذار در بخش صنعت می‌شود. متأسفانه فعالان این بخش جهت اخذ وام هر چند سال یک بار با جهش‌های باورنکردنی روبه‌رو می‌شوند که عملا توجیه‌پذیر نیست. در حقیقت همه این موارد سبب کاهش تولید، اشتغال و عدم سرمایه‌گذاری می‌شود. طی چند سال اخیر که اختلاف ارز نیمایی از پنج درصد به ۵۰ درصد رسیده است سرمایه‌گذاران سرمایه خود را به سمت واردات سوق داده‌اند. در نهایت واردات کالاها خصوصا چینی سبب از بین رفتن اشتغال داخل کشور شده است. متأسفانه به علت سیاست‌های غلط ارزی، مشتری‌های بالقوه خارجی در اکثر صنایع از دست رفته است. متأسفانه این روزها صنعت نساجی کشور که یکی از صنایع پراشتغال، پردرآمد و کم‌هزینه بود به علت مهاجرت روستانشینان و وضع سیاست‌های غلط از بین رفته است. ایران طی سه دهه اخیر بیشترین میزان پنبه را تولید و تبدیل به پارچه و پوشاک می‌کرد اما به مرور به علت واردات بی‌رویه کالا این صنعت و اشتغال پایدار آن از بین رفت. امیدواریم در دولت چهاردهم بساط مباحثی نظیر ارز چندنرخی، واردات بی‌رویه و رانت‌ها و فسادهای بی‌حد و حصر برچیده شود. به علت شرایط موجود شکاف میان قشر متوسط نیز افزایش یافته و در نهایت بخشی از این قشر به جمعیت فقیر کشور پیوسته‌اند. دولت چهاردهم باید با رویکردهای جدید وارد میدان شود و انقلاب صنعتی در کشور ایجاد کند.

زنجیره نساجی قابلیت این ایجاد تحول و رفع فقر را دارد. در حقیقت این صنعت بسیاری از کشورهای فقیر را در کمتر از ۱۰ سال متحول کرده است.

**نقش کارآفرینان و بخش خصوصی در راستای رفع فقر در ایران چیست؟**

**موسوی:** کارآفرینان از طریق پنج رویکرد یا روش که شامل رعایت الزامات رشد فراگیر در سطح بنگاه‌ها، راه‌اندازی کسب‌وکارهای مرتبط با فقرا، کارآفرینی اجتماعی، انجام مسئولیت‌های اجتماعی و کمک به توانمندسازی نیروها از طریق آموزش مهارتی است، می‌توانند در مسیر رفع فقر گام بردارند. در واقع درخصوص رشد فراگیر در سطح بنگاه‌ها همیشه این موضوع وجود داشته است که با وجود رشد برخی از کشورها وضعیت فقرا بهبود نیافته است. به طور مثال در آمریکای لاتین دهه‌های ۷۰ و ۸۰ خیلی این موضوع مشهود بود که این کشورها رشدهای خوبی داشتند ولی وضعیت جمعیت فقیرشان بهبود نمی‌یافت. بنابراین این ادبیات به سمت رشد فراگیر سوق یافت به این معنا که در این رشد همه افراد جامعه از آن بهره‌مند خواهند شد. در واقع در این بخش چه در سطح کلان کشور و چه در سطح بنگاه، کارآفرینان می‌توانند با رعایت قوانین و مقررات در این حوزه فعال باشند. در حوزه راه‌اندازی کسب‌وکارهای مرتبط با فقرا یک واقعیتی وجود دارد و آن، این است که فعالان اقتصادی و کارآفرینان معمولا به این موضوع توجه می‌کنند که مصرف‌کننده‌ها کجا قرار دارند، سپس گروه هدف را آنالیز و تحلیل کرده و طبق آن محصولشان را با کیفیت بهتر یا ارزان‌تر در دسترس قرار می‌دهند. محمد یونس، دارنده نوبل صلح یک الگوی جهانی را معرفی کرد که مثلا طبق آن می‌توان روستاییان را با رعایت اقتضائات خاص درگیر وام‌های خرد کرد. در روش کارآفرینی اجتماعی و ایجاد کسب‌وکارهای اجتماعی معمولا مؤسساتی وجود دارند که به دنبال منافع اقتصادی در کنار برگزاری کار مفید اجتماعی هستند. کما اینکه در دنیا شرکت‌های بزرگی در این زمینه (حس انسان‌دوستی) توانسته‌اند موفق عمل کنند مانند شرکت تام که اکنون با شعار «با خرید یک جفت کفش از ما یک جفت کفش به فقرا دهید»، مشغول فعالیت هستند. البته شرکت‌های خوبی در این زمینه فعالیت می‌کنند. در رویکرد مسئولیت اجتماعی نیز شرکت‌ها بر اساس قوانین و مقررات می‌توانند بخشی از درآمد خود را در حوزه‌هایی نظیر رفع فقر و بحث‌های محیط‌زیستی هزینه کنند. در حوزه توانمندسازی نیروها نیز کارآفرینان می‌توانند با یک رویکرد مبتنی بر آسیب‌شناسی به افرادی که به علت نداشتن مهارت بی‌کار مانده و دچار فقر شده‌اند مهارت مورد نیز برای حضور در بازار کار را آموزش دهند. کما اینکه شرکت‌هایی نظیر گروه صنعتی ماموت و گلرنگ نیز در ایران در این زمینه در حال فعالیت هستند.

**آیا توسعه صنعتی مبتنی بر بنگاه‌های کوچک بر فقرزدایی تأثیرگذار است یا خیر؟**

**سوری:** پیش از پاسخ به این پرسش باید به دو نکته بپردازم؛ نکته نخست اینکه کارآفرینان ایران با وجود مشکلات بسیار همچنان در راستای رشد اقتصادی کشور در حال فعالیت‌اند و شایسته قدردانی هستند. نکته دومی که در بحث مسئولیت اجتماعی باید بپذیریم این است که براساس آمارهای رسمی ۶۰ درصد جامعه یعنی حدود ۵۰ میلیون نفر از جمعیت توان تأمین دوهزارو ۱۰۰ کالری در روز را ندارند و این امری نیست که با مسئولیت اجتماعی یک بنگاه، دو بنگاه یا صد بنگاه قابل حل باشد. در واقع نظام حکمرانی ما باید پیش از سرمایه‌گذاران به این بخش ورود کنند و به حل مشکل بپردازند. کما اینکه شرکت‌ها و کارفرماهای مختلف مشارکت‌های خوبی در زمینه فعالیت‌های اجتماعی داشته‌اند اما طبیعتا این افراد در درجه نخست باید بتوانند کسب‌وکار خود را زنده نگه دارند چراکه در غیر این صورت این افراد نمی‌توانند به مسئولیت‌های اجتماعی خود بپردازند. در پاسخ به پرسش شما باید این‌گونه پاسخ دهم که با وجود ازدیاد کارگاه‌های خرد و متوسط عمده ارزش‌افزوده توسط شرکت‌های بزرگ تولید می‌شود. توجه داشته باشیم که تعدادی از شرکت‌های خرد و متوسط می‌آیند و می‌روند و گاه برخی از آنها عمر کمی دارند، اما این را نباید نادیده بگیریم که این شرکت‌ها امید به بزرگ‌ترشدن دارند. بسیاری از این شرکت‌های خرد و متوسط وابسته به شرکت‌های بزرگ هستند. بنابراین هنگامی شرکت‌های خرد و متوسط می‌توانند برای ما مهم باشند که این امید برای آنها وجود داشته باشد که ما هم روزی یک شرکت بزرگ می‌شویم. اما متأسفانه این امید چندان وجود ندارد. ازاین‌رو عمده شرکت‌های بزرگ ما شرکت‌های دولتی هستند بنابراین در بخش خصوصی ما اصلا چنین فرایندی وجود ندارد. در واقع به خودی خود شرکت‌های خرد و متوسط نمی‌توانند موتور رشد باشند و باید این مسیر فراهم شود تا این شرکت‌ها بزرگ و ماندگار شوند. به عنوان مثال اگر به شرکت‌های کره جنوبی توجه کنیم درمی‌یابیم که اکثر این شرکت‌ها مانند سامسونگ و ال‌جی در گذشته خرد و متوسط بوده‌اند و اکنون به موتور رشد کشور کره جنوبی بدل شده‌اند. در واقع فراهم‌شدن فضا برای این کسب‌وکارها مهم‌ترین موتور رشد اقتصاد کشور است.

**از منظر شما هر نوع توسعه صنعتی در کاهش فقر مؤثر است؟**

اکثر صنایع بزرگ ما مانند فولاد و پتروشیمی به دست دولتی‌ها و خصولتی‌ها اداره می‌شوند. بسیاری از کشورهای اطراف مانند ترکیه تا ۳۰ سال گذشته در صنایعی مانند نساجی و خودروسازی از ایران عقب بودند اما به واسطه حمایت‌های دولت و رشد بخش خصوصی پیشرفت کردند و سبب ایجاد اشتغال پایدار برای نیروی کار خود شدند. بنابراین زمان آن رسیده است که دیدگاه خود را در این زمینه تغییر دهیم. متأسفانه ما در چند سال اخیر در صنعت نساجی بسیار ضعیف شدیم و عقب ماندیم ازاین‌رو باید با کشت مجدد پنبه این صنعت را احیا کنیم. در صنعت نساجی به واسطه وسعت این صنعت زمینه ایجاد اشتغال در حوزه فروش پارچه، پوشاک و... بسیار زیاد است، به نحوی که حتی با یک چرخ خیاطی افراد ساکن در روستا نیز می‌توانند مشغول به کار شوند و به درآمدزایی برسند. متأسفانه به علت نبود صادرات مناسب شاهد رشد مناسب در این صنعت نیستیم. در حقیقت اگر موانع موجود بر سر مسیر توسعه صادرات برداشته نشود، تولیدکننده نمی‌تواند به رشد مطلوب خود دست یابد. متأسفانه ما در این حوزه مانند کشوری نظیر ترکیه برند قابل رقابتی در بازارها نداریم. ایران زمانی در صادرات حوله بسیار قدرتمند بود که متأسفانه به مرور از این عرصه نیز دور شدیم. متأسفانه کشورهای همسایه ایران طی چند سال اخیر به علت وجود تحریم‌های شدید ایران بسیار منتفع شدند. این روزها کشور بنگلادش در کمتر از سه دهه توانسته است به دومین صادرکننده پوشاک جهان تبدیل شود. متأسفانه در چند سال اخیر و در حوزه تولید فرش ماشینی افغانستان و پاکستان توانسته‌اند با کپی‌برداری از طرح‌های ایران به صادرات ایران در این بخش ضربه بزنند.

یادداشت

## پیشنهادهایی به خانم وزیر

**علی بیت‌اللهی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه و شهرسازی:** با شروع به کار دولت چهاردهم و سپردن سکان هدایت وزارت راه و شهرسازی به اولین بانوی وزیر راه و شهرسازی در طول تاریخ کشور و قبول مسئولیت معاونان، مدیران و رؤسای جدید در سمت‌های مختلف این وزارتخانه کلیدی کشور، ضمن عرض تبریک و آرزوی توفیق، نکاتی را به‌عنوان توصیه به مجموعه مدیریتی جدید وزارت متذکر می‌شود.

۱- داشتن نگاه دو حوزه استاتیکی (نگهداشتی) و دینامیکی (پویایی و توسعه‌ای) اساس و رمز مدیریت‌های کارآمد جهانی است. دو حوزه مذکور به‌صورت سیستماتیک درهم‌تنیده و متصل‌اند و با هم اندرکنشی پیوسته دارند. مبنای کار هر دو حوضه نگرشی (استاتیکی و دینامیکی)، قوانین، مقررات و تکالیف دستگاهی است. نباید غافل شد که برون‌داد هر دو حیطه کاری هم بس مهم است.

۲- در حیطه نگهداشت (نگاه استاتیکی مدیریتی)، حفظ و صیانت از دارایی‌های ملی، تسهیل کارکرد آنها، جلوگیری از واردآمدن آسیب‌ها و خسارت‌ها (ناشی از مخاطرات طبیعی و انسان‌ساخت و فرسودگی و استهلاک و...) و تاب‌آوری سیستم مدنظر است. حیطه‌های کاری متعدد مانند محدوده‌های شهری، مسکن و ساختمان، جاده‌ها، فرودگاه‌ها، خطوط ریلی و بنادر و مجموعه تجهیزات و دستگاه‌ها ازجمله دارایی‌های هستند که مسئولیت خطیر نگهداشت آنها یا نظارت عالیه بر نگهداشت آنها بر عهده مدیران ارشد وزارت راه و شهرسازی خواهد بود.

۳- در حوضه نگاه نگهداشتی، بحث فقط نگهداری و صیانت از دارایی‌ها، تجهیزات و زیرساخت‌ها نیست؛ مهم‌ترین معیاری که باید در این حیطه مدنظر مدیران و مسئولان جدید وزارت راه و شهرسازی قرار گیرد، نگهداشت و رسیدگی به پرسنل و نیروی انسانی مجموعه وزارت است. به این معنی که رسیدگی به وضعیت معیشتی پرسنل وزارت، تلاش در راستای ارتقای سطح زندگی و سلامت آنها و خانواده‌شان، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد فضای پرنشاط و ارتقای سطح مهارت و دانش آنهاست که از اولویت‌های مدیریتی جدید وزارت است.

۴- در حوزه نگاه‌کردی مدیریتی «توسعه‌ای» (دینامیکی و پویایی) بدیهی است که تلاش مدیریت بر پایه مبانی توسعه پایدار، نگاه‌های زیست‌محیطی، آینده‌نگری و تفکر دوراندیشانه و ارزیابی نتایج کوتاه‌مدت و درازمدت کنش‌های مدنظر باید مبتنی بر تکالیف و اسناد بالادستی و بر اساس تفکر مهندسی نوآورانه و مبتکر با قابلیت انعطاف و نگرش اقتصادی باشد. توسعه فضای شهری، ساخت مسکن و فضای مسکونی باید بر مبنای کاهش تمرکز جمعیت در کلان‌شهرها و مهاجرت معکوس و در نتیجه ارتقای تاب‌آوری زیست‌بوم صورت پذیرد. توسعه راه در مناطق محروم و روستایی و تسهیل و تسریع جابه‌جایی کالا و مسافر در مناطق محروم، به‌طور طبیعی رونق اقتصادی و اشتغال را در این مناطق افزایش داده و بر اساس تعهدات دولت چهاردهم موجب توسعه عدالت‌محور و رضایت عموم مردم نیز می‌شود.

۵- در حوزه دینامیکی و توسعه‌ای مدیریتی کلان وزارت راه و شهرسازی، بر مبنای اقتصادی‌بودن طرح‌ها یا تلاش برای اقتصادی‌ترکردن معیارهای موجود، توسعه زیرساخت‌ها و افزایش ظرفیت جاده‌ها و خطوط ریلی و توان بنادر و فرودگاه در ارتباط تنگاتنگ با توسعه سکونتگاه‌های جمعیتی و به‌ویژه در سواحل جنوبی و استان‌های محروم و مناطق دور از کلان‌شهرها، به‌مثابه ایستگاه‌ها و رگ‌های حیاتی اقتصادی و توسعه کشور، نقش بسیار مهمی در توسعه کشور و امتیاز بزرگی برای مدیریت کلان وزارت راه و شهرسازی خواهد بود.

۶- مدیریت جدید مجموعه وزارت راه و شهرسازی باید حلقه اتصال حمل‌ونقل و مسکن و شهرسازی را چنان مستحکم و در عین حال پویا و توانمند و با برون‌دادهای ملموس کند تا طرح موضوعاتی نظیر تفکیک وزارت و... فاقد ضرورت و بلاموضوع تلقی شود و این قابلیت و ظرفیت، با حضور وزیر محترم جدید و مجموعه‌های معاونان و مدیران وجود دارد.

۷- توصیه آخر این‌جانب به مجموعه تیم جدید مدیریتی وزارت، غافل‌نشدن از اهمیت انعکاس کارها و فعالیت‌های انجام‌شده در سطح عمومی از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی و نیز در سطح مقامات عالی نظام، رؤسا و مسئولان سایر قوای کشور است.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی با ارزیابی کیفی
نوبت اول

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

شماره ۲۰۰۳۰۰۱۴۰۳۰۰۰۰۹۳مورخ ۱۴۰۳/۶/۱۰ مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت
شماره ۷۵ سال ۱۴۰۳

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی در نظر دارد عملیات مربوط به: عملیات اجرای باقیمانده خط اصلی فاضلاب هشترود را از محل اعتبارات عمرانی و با مشخصات ذیل به روش مناقصه (عمومی) با ارزیابی کیفی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir به پیمانکاران دارای صلاحیت واگذار نماید .

مشخصات پروژه :
الف – مبلغ برآورد اولیه : ۱۸۱۹۱۶۲۰۱۴۶۶ ریال
ب – مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار : ۹۰۹۵۸۱۰۰۷۳ ریال
ج – محل اجرای کار : تبریز
د – رشته و گروه پیمانکار : آب
هـ – مدت اجرای کار : ۱۵ ماه
و – دستگاه نظارت : دفتر بهره برداری و توسعه شبکه های جمع آوری و خطوط انتقال فاضلاب
ز – محل اعتبار : عمرانی
ح – پیشنهاده دهنده حائز حداقل امتیاز ارزیابی کیفی لازم جهت شرکت در مناقصه مکلف است معادل مبلغ سپرده ،تضمین های معتبر تسلیم یا مبلغ مذکور را به حساب بانکی شرکت واریز و حسب مفاد اسناد مناقصه ضمانتنامه یا رسید واریز وجه را بصورت اصل در وقت مقرر در اسناد به کارفرما تسلیم نماید . به پیشنهادهای فاقد سپرده ، سپرده های مخدوش ، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک و نظایر آن ترتیب اثر نخواهد شد . لازم به ذکر است که هزینه آگهی مناقصه بعهده برنده مناقصه می باشد .

آدرس سایت اینترنت : www.abfaazarbaijan.ir
مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹ مورخه ۱۴۰۳/۶/۲۶
مهلت ارسال پاسخ به اسناد: تا ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۳/۷/۱۰
شناسه آگهی : ۱۷۸۲۱۰۷ نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۶/۱۹ نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی
۴۸۷۶